

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۰۷/۱۸

تاریخ بررسی مقاله: ۹۰/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۰۳/۲۰

مجله دست آوردهای روان‌شناختی

(علوم تربیتی و روان‌شناسی)

دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

دوره چهارم، سال ۱۹-۳، شماره ۲

ص: ۱۵۸-۱۳۷

هنجاریابی، تعیین روایی و پایایی پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل در میان دانش آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان

* لیلا حق شناس

** علی نویدیان

*** امیر صالح امین جعفری

**** علی کاظمی

***** محمدرضا عابدی

***** حسین صادقی

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر، هنجاریابی، تعیین روایی و پایایی پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل در بین دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان بوده است. به همین منظور ۴۱۲ دانش‌آموز به شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. بر این اساس به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، ضریب پایایی مقیاس‌های کمپیل به شیوه آلفای کرانباخ و باز آزمایی محاسبه شد. روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت از چند طریق محاسبه گردید: ۱- از طریق همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با مقیاس‌های فرم کوتاه رغبت سنج تحصیلی - شغلی، ۲- از طریق مقایسه میانگین دانش‌آموزان دختر و پسر، ۳- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس‌های جهت‌گیری رغبت با هفت مقیاس

Leila.hagh@yahoo.com

* دانشجوی دکتری مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

alinavidian@gmail.com

** استادیار دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

amirsaleh.aminjafari@gmail.com

*** کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان

m.r.abedi@edu.ac.ir

**** کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان

***** دانشیار دانشگاه اصفهان

***** کارشناس ارشد مشاوره شغلی دانشگاه اصفهان

جهت‌گیری مهارت. روایی دومین مجموعه از مقیاس‌های رغبت و مهارت کمپبل یعنی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت از دو طریق مورد بررسی قرار گرفت: ۱- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت با پرسشنامه باور به مهارت‌ها. ۲- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت و هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت. روایی سومین مجموعه از مقیاس‌های رغبت و مهارت کمپبل یعنی ۲۹ مقیاس رغبت اصلی از طریق محاسبه همبستگی بین این مجموعه از مقیاس‌ها و ۲۹ مقیاس مهارت اصلی بررسی شد. روایی چهارمین مجموعه از مقیاس‌های کمپبل یعنی ۲۹ مقیاس مهارت اصلی از طریق محاسبه همبستگی بین این مجموعه از مقیاس‌ها و ۲۹ مقیاس رغبت اصلی بررسی شد. و در نهایت رتبه‌های درصدی و نمرات استاندارد به عنوان هنجارهای پرسشنامه محاسبه گردید در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان اذعان داشت که پرسشنامه رغبت و مهارت کمپبل در جامعه مورد پژوهش دارای روایی و پایایی قابل قبولی بوده و می‌توان از آن به عنوان پرسشنامه رغبت و مهارت در کارهای پژوهشی، راهنمایی و مشاوره استفاده کرد.

کلید واژگان: هنجاریابی، روایی و پایایی، پرسشنامه رغبت و مهارت کمپبل، رغبت‌های شغلی

مقدمه

رغبت‌های شغلی یکی از قوی‌ترین و پایدارترین بخش تفاوت‌های فردی و معمول‌ترین وسیله برای تطبیق فرد و محیط می‌باشند (هوغان،^۱ ۱۹۹۶، به نقل از تریسی^۲، ۲۰۰۲ الف و داگلاس، یون، رابرت و راندز^۳، ۲۰۰۵، صادقی،^۴ ۱۳۹۰). مطالعات گوناگون مؤید این فرضیه‌اند که رغبت‌ها تأثیر مهمی بر انتخاب رشته‌ها در مدارس و همچنین در انتخاب شغل دارند، و اختلاف در رغبت‌ها و یا فقدان آنها ممکن است به دودلی و یا بی‌ثباتی در شغل منجر گردد (باراک و میر^۴، ۱۹۷۴ و استرانگ^۵، ۱۹۵۴، به نقل از باراک،^۶ ۱۹۸۱). ساویکاس^۶ (۱۹۹۹) در بازنگری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رغبت‌ها، خاطر نشان ساخته است که یکی از دیدگاه‌های معتبر آن است که رغبت‌ها تا حدود زیادی محصول خودکارآمدی می‌باشند و این رابطه علی فرض شده مبتنی بر نقش علی خودکارآمدی در پیدایش رغبت‌ها مفهومی اساسی در نظریه شناختی-شغلی می‌باشد. نظریه شناختی شغلی در بکارگیری مفهوم خودکارآمدی چنین بیان می‌دارد که هر چه افراد در خصوص یک شغل خودکارآمدی بالاتری داشته باشند احتمال آن

-
- 1- Hogan
 - 2- Tracy
 - 3- Douglas, Yoon, Robert, & Rounds
 - 4- Barak & Meir
 - 5- Strong
 - 6- Savickas

که به آن روی آورند و در آن موفق شوند بیشتر خواهد بود (لنت و همکاران^۱، ۱۹۹۴، نقل از دیگلمان و سایبچ^۲، ۲۰۰۲). رغبت و نه خودکارآمدی هیچ کدام به تنهایی به انتخاب شغل نمی‌انجامد. زیرا برای حصول این امر هر دو باید موجود باشد. علاوه بر این، با توجه به این که امکان افزایش خودکارآمدی از طریق ارایه مداخلات مبتنی بر نظریه بندورا میسر است می‌توان با استفاده همزمان از مقیاس‌های رغبت و خودکارآمدی در ارزیابی و مشاوره شغلی به شناسایی گزینه‌های شغلی بالقوه‌ای پرداخت که فرد به دلیل فقدان خود باوری از آنها احتراز جسته است. تعجبی ندارد که کانون اصلی چنین پژوهش و سنجشی شش موضوع رغبت هالند بوده است. اگر چه مقیاس‌های سنجش هالند سالیان مدیدی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد (گسر، لارسون، بورگن^۳، ۲۰۰۷؛ استرانگ و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از کاتر و فواد، ۲۰۱۰)، مقیاس‌های خودکارآمدی در ارتباط با موضوع‌های هالند در ابتدای راه به سر می‌برند (بتز، بورگن، راتینگهاوس و هارمون^۴، ۲۰۰۳).

یکی از اولین مطالعات انجام شده با استفاده از مقیاس‌های خودکارآمدی در ارتباط با موضوع‌های هالند، به مطالعه لاپان، باگز و موریل^۵ (۱۹۸۹) مربوط می‌شود. لاپان و همکاران (۱۹۸۹) در پژوهشی به ساخت یک مقیاس خودکارآمدی در ارتباط با حیطه‌های هالند دست زدند. آنها از تحقیق خود نتیجه گرفتند که خودکارآمدی پایین زنان در موضوع‌های واقع‌گرایی می‌تواند رغبت پایین آنها را در این موضوع‌ها و خودکارآمدی بالای مردان را در موضوع‌های واقع‌گرایی می‌تواند رغبت بالای مردان را در این موضوع‌ها تشریح و تبیین کند. لنوکس و سایبچ^۶ (۱۹۹۴) در پژوهش خود به ابداع مقیاس‌های خودکارآمدی در رابطه با موضوع‌های هالند دست زدند آنها گزارش کردند سطوح پایین خودکارآمدی واقع‌گرایی، جستجوگری با رغبت‌های متوسط در حیطه‌های واقع‌گرایی و جستجوگری و سطوح بالاتر خودکارآمدی با سطوح بالاتر رغبت در این حیطه‌ها رابطه داشتند. در پرسشنامه ارزشیابی دانشگاه امریکا مربوط به یک جنس نیز سنجش برآورد مربوط به توانایی‌ها لحاظ شده است (ساویکاس، تابر

-
- 1- Lent & et al
 - 2- Digelman & Subich
 - 3- Gasser, Larson, & Borgen
 - 4- Betz, Borgen, Rottinghus, & Harmon
 - 5- Iapan, Boggs, & Morrill
 - 6- Ienox & Subich

و اسپوکن^۱، (۲۰۰۲). تریسی (۲۰۰۲، ۲، ۲۰۱۰) نیز به ابداع پرسشنامه کروی فردی^۲ پرداخته است که به سنجش رغبت‌ها و باورهای توانمندی (خودکارآمدی) می‌پردازد.

پرسشنامه رغبت و مهارت کمپبل^۳ (کمپبل، هاینی و نیلسن^۴، ۱۹۹۲) نیز یکی دیگر از پرسشنامه‌هایی است که در آن همه مقیاس‌های رغبت دارای مقیاس‌های مهارت مرتبط با خود هستند که بنا به اظهار کمپبل به شکلی مناسب می‌توان آنها را به عنوان مقیاس‌های خودباوری مورد تعبیر و تفسیر قرار داد. پرسشنامه رغبت و مهارت کمپبل در سال ۱۹۹۲ توسط کمپبل ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۷ مقیاس جهت‌گیری رغبت و ۷ مقیاس جهت‌گیری مهارت، ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۲۹ مقیاس مهارت اصلی و ۵۸ مقیاس شغلی می‌باشد. نیمرخ این ابزار شامل دو نوع نمره است (نمره رغبت‌ها و باور به مهارت‌ها (خودکارآمدی)). اطلاعات مربوط به پایایی پرسشنامه کمپبل توسط کمپبل و همکارانش (۱۹۹۲)، به نقل از معصومی، (۱۳۹۰) در دستورالعمل آن ارایه شده است. ضرایب آلفای از ۰/۸۶ تا ۰/۹۳ برای هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت و از ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ برای هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت (خودکارآمدی) به دست آمده است. پایایی بازآزمایی برای هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت برای یک دوره سه ماهه از ۰/۸۱ تا ۰/۸۸ و برای هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت ۰/۷۵ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. ضرایب آلفای برای مقیاس‌های رغبت اصلی و مهارت از ۰/۶۹ تا ۰/۹۲ برای رغبت‌ها و از ۰/۶۲ تا ۰/۸۷ برای مهارت‌ها به دست آمده است. پایایی بازآزمایی در خلال یک مدت ۳ ماهه برای مقیاس‌های شغلی رغبت از ۰/۷۳ تا ۰/۹۲ و از برای مقیاس‌های شغلی مهارت ۰/۷۳ تا ۰/۸۴ به دست آمده است. در خصوص روایی پرسشنامه مطالعات اندکی گزارش شده است. کمپبل و همکارانش (۱۹۹۲) از طریق بررسی همبستگی نمره‌های رغبت و مهارت مشابه، درصد نشان دادن روایی مقیاس‌های جهت‌گیری برآمدند. همبستگی‌های به دست آمده بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت و هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت از ۰/۶۶ تا ۰/۷۶ با یک میانگین همبستگی ۰/۷۵ بود. این فرایند برای نشان دادن روایی ۲۹ مقیاس اصلی رغبت و ۲۹ مقیاس اصلی مهارت نیز به کار گرفته شد. که همبستگی بین نمره‌های رغبت و

-
- 1- Savikas, Taber, & Spokane
 - 2- Personal Globe Inventory
 - 3- Campbell Interest & Skill Survey
 - 4- Campbell, Hyne, & Nilsen

مهارت از ۰/۴۶ تا ۰/۸۰ با یک میانگین همبستگی ۰/۶۸ بوده است.

با توجه بر سودمندی رغبت‌ها و خودکارآمدی در پیش‌بینی انتخاب‌های شغلی، استفاده از این مقیاس‌ها در مشاوره شغلی ضرورت می‌یابد. با توجه به این ضرورت در این پژوهش به بررسی ویژگی‌های روانسنجی و محاسبه نمره‌های T مقیاس‌های پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل پرداخته شده است، بنابراین سؤالات اصلی پژوهش حاضر شامل موارد زیر بودند:

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا سؤالات پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل از روایی کافی برخوردار است؟ ۲- آیا مقیاس‌های پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل از روایی لازم برخوردارند؟ ۳- پایایی مقیاس‌های پرسشنامه و مهارت کمپیل با روش بازآزمایی و استفاده از آلفای کرونباخ (همسانی درونی) چقدر است؟ ۴- جدول‌های هنجار پرسشنامه و مهارت کمپیل چگونه است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر هنجاریایی از نوع آزمون سازی است

جامعه آماری نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه نظری شهر اصفهان در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ بوده است. نمونه شامل ۴۱۲ از دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای از نواحی پنجگانه شهر اصفهان انتخاب شدند. به این صورت که از هر ناحیه دو مدرسه (دخترانه و پسرانه) انتخاب و در هر مدرسه از هر پایه (اول، دوم، سوم) ۱۵ نفر انتخاب شدند. نمونه پژوهش در کل ۴۵۰ نفر بودند ولی در کل ۴۱۲ پرسشنامه جهت تهیه جدول هنجار نمره‌گذاری شد بقیه پرسشنامه‌ها به دلیل ناقص بودن باطل شدند.

ابزار پژوهش

- ۱- پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل.
- ۲- پرسشنامه رغبت‌سنج تحصیلی - شغلی (فرم کوتاه).
- ۳- پرسشنامه باور به مهارت‌ها.

۱- پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل. در سال ۱۹۹۲ توسط کمپیل ساخته شده است. این پرسشنامه در بردارنده ۳۲۰ ماده شامل ۲۰۰ ماده جهت سنجش رغبت‌های شغلی و ۱۲۰ ماده جهت سنجش مهارت‌ها (خودکارآمدی) می‌باشد بنابراین نیمرخ این ابزار شامل دو نوع نمره است (نمره رغبت‌ها و مهارت‌ها). این پرسشنامه شامل ۷ مقیاس جهت‌گیری، ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۵۸ مقیاس شغلی می‌باشد. مقیاس‌های جهت‌گیری، رغبت‌های شغلی را در هفت مقوله مورد سنجش قرار می‌دهد: ۱- تأثیرگذاری، ۲- سازماندهی، ۳- مددکاری، ۴- خلق، ۵- تحلیلی‌گری، ۶- تولیدگری، ۷- ماجراجویی. ضمن آنکه این پرسشنامه، باورهای خود کارآمدی مرتبط با هر یک از این مقیاس‌ها را نیز می‌سنجد مقیاس‌های جهت‌گیری هفت‌گانه، مطابق تیپ‌های هالند می‌باشند که یک مقیاس هفتم یعنی ماجراجویی بدان افزوده شده است. ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۲۹ مقیاس مهارت اصلی کمپیل، مطابق مقیاس‌های جهت‌گیری رغبت و مهارت سازمان‌دهی شده و بازتاب‌گرایش پاسخگو نسبت به یک حیطة خاص و حس خودباوری او برای انجام فعالیت‌های موجود در آن حیطة می‌باشند. ۲۹ مقیاس اصلی رغبت و ۲۹ مقیاس اصلی مهارت به گزارش رغبت‌ها و مهارت‌ها به موازات یکدیگر می‌پردازند تا اطلاعات باارزش‌تری به مراجعین انتقال داده شود. همچنین این ابزار از ۵۸ مقیاس شغلی تشکیل شده است (لازم به ذکر است که در این پژوهش ویژگی‌های روانسنجی چهار مجموعه از این مقیاس‌ها یعنی (هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت، هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت، ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۲۹ مقیاس مهارت اصلی) بررسی شده است. نمره‌گذاری: در بخش اول فرم مربوط به سنجش رغبت پرسشنامه، به گزینه‌های بسیار علاقمندم، علاقمندم، کمی علاقمندم، تاحدی علاقمندم، علاقمند نیستم و اصلاً علاقمند نیستم به ترتیب امتیاز ۵، ۴، ۳، ۲، ۱، و صفر تعلق می‌گیرد. در بخش دوم فرم مربوط به سنجش رغبت به گزینه‌های بله یقیناً تمایل دارم، بله تمایل دارم، بله احساس من بیشتر مثبت است تا منفی، نه احساس من بیشتر منفی است تا مثبت، نه دوست ندارم، نه یقیناً دوست ندارم به ترتیب امتیاز ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر تعلق می‌گیرد و اما در بخش مهارت‌ها برای گزینه‌های، در حد یک کارشناس، در حد مناسب، با کیفیتی بالاتر از حد متوسط، با کیفیتی پایین‌تر از حد متوسط، در حدی نامطلوب و ابداً، به ترتیب امتیازات ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر تعلق می‌گیرد.

۲- پرسشنامه رغبت‌سنج تحصیلی- شغلی هالند (فرم کوتاه): این پرسشنامه که به

منظور بررسی روایی پرسشنامه استفاده شده، از پنج خرده آزمون (۱) فعالیت‌ها (۲) تجربه‌ها (۳) مشاغل (۴) خودسنجی (۱ و ۲) تشکیل شده است. همچنین این آزمون دارای ۶ مقیاس واقع‌گرایی، جستجوگری، هنری، اجتماعی، تهوری و قراردادی می‌باشد. (تقی‌زاده، ۱۳۷۸). در پژوهش تقی‌زاده (۱۳۷۸) ضرایب پایایی این آزمون به روش دو نیمه کردن سؤالات هر مقیاس، دارای دامنه‌ای بین ۰/۶۱ برای مقیاس واقع‌گرایی تا ۰/۸۳ برای مقیاس اجتماعی بوده است و ضرایب روایی یعنی همبستگی نمره‌های افراد در این فرم با فرم اصلی دارای دامنه‌ایی بین ۰/۷۴ تا ۰/۹۲ بوده است که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

۳- پرسشنامه باور به مهارت‌ها^۱ (بتز و همکاران، ۱۹۹۶). یک مقیاس ۶۰ ماده‌ای است

که از ۱۰ ماده برای هر یک از ۶ مقیاس باور به مهارت‌ها هماهنگ با شش تیپ هالند تشکیل شده است. این ماده‌ها فعالیت‌ها، وظایف، و موضوع‌های درسی هستند. پاسخ دهندگان میزان اعتماد به توانایی‌هایشان (خودکارآمدی) را برای انجام هر یک از وظایف، فعالیت‌ها و یا به موفقیت رساندن هر یک از دوره‌های تحصیلی بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای از کاملاً باور دارم تا اصلاً باور ندارم مشخص می‌کنند (بتز و همکاران، ۲۰۰۳). بتز و همکاران (۱۹۹۶)، به نقل از بتز و همکاران، (۲۰۰۳) ضرایب آلفا را برای شش مقیاس پرسشنامه در یک نمونه ۲۷۰۰ نفری از دانشجویان بین ۰/۸۴ تا ۰/۸۸ گزارش کرده‌اند. پارسونز^۲ و بتز (۱۹۹۸)، نقل از بتز و همکاران، (۲۰۰۳) ضرایب بازآزمایی را با فاصله سه هفته بین ۰/۸۳ برای موضوع واقع‌گرایی تا ۰/۸۷ برای موضوع اجتماعی گزارش کرده است. در بررسی روایی پرسشنامه، شواهد نشان داده که این پرسشنامه عضویت در گروه‌های شغلی را به طور معناداری پیش‌بینی می‌کند (بتز و همکاران، ۲۰۰۳) در پژوهش حق‌شناس و همکاران (۱۳۸۸) پایایی مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها به روش آلفا بین ۰/۷۵ برای مقیاس واقع‌گرایی تا ۰/۸۲ برای مقیاس جستجوگر و قراردادی

و به روش بازآزمایی بین ۰/۷۱ برای مقیاس واقع‌گرایی تا ۰/۸۴ برای مقیاس هنری محاسبه شد. همچنین در این مطالعه روایی مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها از طریق همبستگی بین مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها و ۶ موضوع کلی پرسشنامه استرانگ

1- Skill Confidence Inventory

2- Parsons

بررسی شده است ضرایب روایی یعنی همبستگی بین دو پرسشنامه باور به مهارت‌ها و پرسشنامه استرانگ دارای دامنه‌ایی بین ۰/۴۵ تا ۰/۷۲ و در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است.

شیوه اجرای پژوهش

پس از خریداری تست از شرکت روان‌شناسی به منظور کاربرد این پرسشنامه در جامعه ایران ابتدا فرم انگلیسی آن ترجمه شد. پس از ترجمه پرسشنامه، پرسشنامه در اختیار دو تن از اساتید مشاوره مسلط به زبان انگلیسی قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا نظرات خود را درباره درستی برگردان، روایی ماده‌ها و هماهنگی آن با فرهنگ ایران بیان کنند. پس از مطالعه پرسشنامه از سوی اساتید بر روی برخی از ماده‌ها تغییرات جزئی داده شد و برخی از ماده‌های پرسشنامه به دلیل عدم تناسب با فرهنگ ایران حذف و ماده‌های دیگری هماهنگ با مقیاس مربوط با ماده‌های حذف شده، جایگزین شد. مثلاً در بخش رغبت پرسشنامه کمپبل ماده "یک رقاصی که در یک کمپانی حرفه‌ایی فعالیت می‌کند" حذف و به جای آن ماده "یک هنرمند که در صحنه تلویزیون به اجرای تردستی می‌پردازد" جایگزین شد سرانجام به منظور اعتباریابی مقدماتی فرم تجربی در اختیار ۵۰ نفر از دانش‌آموزان که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند، قرار گرفت. لازم به ذکر است که در هنگام اجرای مقدماتی پرسشنامه از دانش‌آموزان خواسته شد که هنگام پاسخگویی، ماده‌هایی را که در فهم آنها مشکل دارند مشخص نمایند. پس از مشخص شدن ابهامات عنوان شده از سوی دانش‌آموزان در زمان اجرای مقدماتی تصمیم گرفته شد که در هنگام اجرا، توضیحات لازم کنار پرسشنامه منظور شود. با توجه به این که همبستگی همه سؤالات با نمره کل در سطح ۰/۰۱ معنادار بود هیچ سؤالی از پرسشنامه حذف نشد و فرم تجربی آزمون بدون تغییر به فرم نهایی تبدیل شد. اطلاعات مربوط به روایی و پایایی فرم نهایی آزمون در بخش یافته‌های پژوهش به تفصیل آمده است.

روش تجزیه و تحلیل آماری

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزاری آماری استفاده شد. روش آماری مورد استفاده در این پژوهش، آمار توصیفی شامل جدول‌های میانگین و انحراف معیار، محاسبه نمره‌های T و ضریب همبستگی، آمار استنباطی شامل تحلیل مانوا بود.

یافته‌های پژوهش

به منظور پاسخ به اولین سؤال پژوهش همبستگی هر سؤال با نمره کل محاسبه گردید. به طور کلی نتایج گویای آن بود که همبستگی همه سؤال‌ها با نمره کل در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه به زیاد بودن مطالب از ارایه نتایج حاصل از این بررسی در این مقاله خودداری می‌شود. پایایی مقیاس‌های رغبت و مهارت کمپیل به روش آلفا و بازآزمایی به فاصله ۳ هفته محاسبه گردید. در رابطه با هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت ضرایب آلفا بین ۰/۷۲ تا ۰/۷۶ و پایایی بازآزمایی بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۸ می‌باشد در رابطه با هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت ضرایب آلفا نیز بین ۰/۷۲ تا ۰/۷۶ و پایایی بازآزمایی بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۴ می‌باشد. در رابطه با ۲۹ مقیاس رغبت اصلی ضرایب آلفا بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ و پایایی بازآزمایی بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۶ می‌باشد. در ۲۹ مقیاس اصلی مهارت نیز ضرایب آلفا بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ و پایایی بازآزمایی بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۷ می‌باشد. لازم به ذکر است در تمام مقیاس‌های رغبت و مهارت کمپیل همبستگی بین نمره‌های آزمون اولیه و آزمون مجدد در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به علت زیاد بودن حجم مطالب از ارایه نتایج مربوطه خودداری می‌شود.

شواهد مربوط به روایی مقیاس‌های پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل

الف) هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت: روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت از سه طریق مورد بررسی قرار گرفت: ۱- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با مقیاس‌های فرم کوتاه رغبت‌سنج تحصیلی- شغلی هالند. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۱ مشهود است.

بنابر نتایج ارایه شده در جدول ۱ ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت پرسشنامه کمپیل (تأثیرگذاری- سازماندهی- مددکاری- خلق- تحلیل‌گری- تولید و ماجراجویی) با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه هالند (متهور، قراردادی، اجتماعی، هنری، جستجوگری، واقع‌گرایی و واقع‌گرایی به ترتیب ۰/۴۲، ۰/۵۵، ۰/۴۵، ۰/۴۵، ۰/۶۱، ۰/۵۰ و ۰/۳۲ می‌باشد که این ضرایب معنادار نشان‌دهنده روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت می‌باشد. ۲- در دومین روش جهت بررسی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت به مقایسه میانگین دانش‌آموزان دختر و پسر پرداخته شد. نتایج توصیفی (میانگین) و استنباطی (مانوا) حاصل از

جدول ۱. ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با مقیاس‌های فرم کوتاه رغبت‌سنج تحصیلی- شغلی هالند

قراردادی	متهور	هنری	اجتماعی	جستجوگری	واقع‌گرایی	مقیاس‌های فرم کوتاه هالند هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت
۰/۳۶**	۰/۴۲**	۰/۱۰	۰/۲۷	۰/۲۷	۰/۳۴**	تأثیرگذاری
۰/۵۵**	۰/۴۲**	۰/۰۵	۰/۱۶	۰/۲۱	۰/۴۳**	سازماندهی
۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۳۳**	۰/۴۵**	۰/۲۰	۰/۱۱	مددکاری
۰/۰۸	۰/۲۵	۰/۴۵**	۰/۳۵**	۰/۱۵	۰/۱۵	خلق
۰/۲۱	۰/۰۰۷	۰/۰۶	۰/۲۸*	۰/۶۱**	۰/۱۹	تحلیل‌گری
۰/۱۸	۰/۲۴	۰/۱۳	۰/۱۷	۰/۱۰	۰/۵۰**	تولید
۰/۰۹	۰/۲۴*	۰/۱۵	۰/۱۱	۰/۱۶	۰/۳۲**	ماجراجویی

* $P < 0.01$ ** $P < 0.05$

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل مانوا مربوط به مقایسه میانگین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت در بین دانش‌آموزان دختر و پسر

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین دانش‌آموزان پسر	میانگین دانش‌آموزان دختر	مقیاس‌ها
۰/۰۲	۵/۲۷	۷۵۸/۳۷	۱	۷۵۸/۳۷	۳۱/۰۸	۲۸/۳۲	تأثیرگذاری
۰/۰۰۰۱	۲۰/۵۲	۱۵۰۴/۴	۱	۱۵۰۴/۴	۲۰/۲۹	۱۶/۴۱	سازماندهی
۰/۰۰۰۱	۲۶/۴۸	۴۳۶۵/۲۰	۱	۴۳۶۵/۲۰	۳۱/۶۳	۳۸/۲۶	مددکاری
۰/۰۰۱	۳۸/۶۵	۲۲۳۶/۹۹	۱	۲۲۳۶/۹۹	۲۴/۳۳	۲۹/۰۸	خلق
۰/۴۱	۰/۶۶	۶۸/۳۲	۱	۶۸/۳۲	۲۴/۳۶	۲۳/۵۴	تحلیل‌گری
۰/۰۰۱	۱۶/۱۹	۱۹۵۸/۸۶	۱	۱۹۵۸/۸۶	۲۴/۷۰	۲۰/۲۷	تولید
۰/۰۰۱	۱۱/۰۸	۱۲۲۱/۰۶	۱	۱۲۲۱/۰۶	۳۳/۸۱	۳۰/۳۱	ماجراجویی

این بررسی در جدول ۲ ارائه شده است.

بنابر نتایج ارائه شده در جدول شماره ۲ بین میانگین دانش‌آموزان دختر و پسر در حیطه‌های تأثیرگذاری، سازماندهی، مددکاری، خلق، تولید و ماجراجویی تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین نمره‌های دختران در حیطه‌های مددکاری و خلق بیشتر از پسران و میانگین نمره‌های پسران در حیطه‌های تأثیرگذاری، سازماندهی، تولید و ماجراجویی بیشتر از دختران

است. ۳- در سومین روش جهت بررسی روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت، ضرایب همبستگی بین این مجموعه مقیاس‌ها با هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت محاسبه شد. نتایج این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت پرسشنامه کمپیل

ماجرای جویی	تولید	تحلیل‌گری	خلق	مددکاری	سازماندهی	تأثیرگذاری	هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت
۰/۴۰**	۰/۲۶**	۰/۲۲**	۰/۲۵**	۰/۳۶**	۰/۵۱**	۰/۶۴**	تأثیرگذاری
۰/۳۶**	۰/۲۷**	۰/۲۰**	۰/۲۰**	۰/۳۵**	۰/۶۲**	۰/۶۰	سازماندهی
۰/۳۱**	۰/۳۱**	۰/۲۱**	۰/۴۶**	۰/۵۷**	۰/۳۶**	۰/۴۵**	مددکاری
۰/۲۳	۰/۲۴**	۰/۲۱	۰/۶۰**	۰/۲۷	۰/۱۸*	۰/۳۱**	خلق
۰/۲۱**	۰/۱۱	۰/۶۰**	۰/۱۸*	۰/۱۷**	۰/۲۹**	۰/۳۳**	تحلیل‌گری
۰/۳۹**	۰/۶۶**	۰/۰۷	۰/۱۷**	۰/۳۴**	۰/۴۰**	۰/۴۲**	تولید
۰/۵۴**	۰/۳۲**	۰/۲۲**	۰/۲۸**	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۳۹**	ماجرای جویی

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

بر اساس نتایج جدول شماره ۳ ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت (تأثیرگذاری، سازماندهی، مددکاری، خلق، تحلیل‌گری، تولید و مخاطره‌جویی) با هفت مقیاس مشابه خود در پرسشنامه مهارت‌های کمپیل به ترتیب ۰/۶۴، ۰/۶۲، ۰/۵۷، ۰/۶۰، ۰/۶۰، ۰/۶۶ و ۰/۵۴ می‌باشد که این ضرایب نسبتاً بالا و معنادار نشان‌دهنده روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت می‌باشد.

ب) **هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت:** روایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت از دو طریق بررسی شد: ۱- از طریق محاسبه ضرایب همبستگی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت و هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت پرسشنامه کمپیل. نتایج حاصل در جدول ۳ آمده است. نتایج نشان می‌دهد ضرایب روایی بین دو مجموعه از مقیاس‌های جهت‌گیری رغبت و مهارت دارای دامنه‌ایی بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۴ و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. در دومین روش جهت بررسی

جدول ۴. همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت و مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها

مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها	واقع‌گرایی	جستجوگری	اجتماعی	هنری	متهور	قراردادی
تأثیرگذاری	۰/۴۶**	۰/۵۳**	۰/۴۲**	۰/۳۴*	۰/۶۶**	۰/۴۷**
سازماندهی	۰/۴۰**	۰/۵۲**	۰/۳۵**	۰/۲۶	۰/۶۰**	۰/۴۳**
مددکاری	۰/۵۰**	۳۴**	۰/۷۴**	۰/۵۱**	۰/۵۳**	۰/۳۶**
خلق	۰/۶۲**	۰/۳۳**	۰/۶۷**	۰/۶۶**	۰/۵۷**	۰/۳۲**
تحلیل‌گری	۰/۳۸**	۰/۷۲**	۰/۴۰**	۰/۲۳	۰/۴۱**	۰/۴۶**
تولید	۰/۶۳**	۰/۳۹**	۰/۳۶**	۰/۴۵**	۰/۴۲**	۰/۳۱**
ماجرایجویی	۰/۵۵**	۰/۲۵**	۰/۴۶**	۰/۴۶**	۰/۴۶**	۰/۴۲**

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

روایی هفت مقیاس مهارت، ضرایب همبستگی این مجموعه از مقیاس‌ها با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه باور به مهارت‌ها محاسبه شد. نتایج در جدول ۴ آمده است.

بنابر نتایج ارائه شده در جدول ۴ ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت (تأثیرگذاری، سازماندهی، مددکاری، خلق، تحلیل‌گری، تولید و مخاطره‌جویی) با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه باور به مهارت‌ها (متهور، قراردادی، اجتماعی، هنری، جستجوگری، واقع‌گرایی و واقع‌گرایی) به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۴۳، ۰/۷۴، ۰/۶۶، ۰/۷۲، ۰/۶۳ و ۰/۵۵ می‌باشد که این ضرایب معنادار نشان‌دهنده روایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت است.

ج) ۲۹ مقیاس رغبت اصلی: روایی ۲۹ مقیاس رغبت اصلی از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین این مجموعه از مقیاس‌ها با ۲۹ مقیاس مهارت اصلی بررسی شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۲۹ مقیاس مهارت همبستگی وجود دارد. دامنه ضرایب همبستگی بین ۰/۳۸ تا ۰/۷۳ بوده و این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار است. به علت زیاد بودن حجم مطالب از ارائه نتایج مربوطه خودداری می‌شود.

د) ۲۹ مقیاس مهارت اصلی: روایی ۲۹ مقیاس مهارت اصلی از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین این مجموعه از مقیاس‌ها با ۲۹ مقیاس رغبت اصلی بررسی شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بین ۲۹ مقیاس رغبت اصلی و ۲۹ مقیاس مهارت اصلی همبستگی وجود دارد. دامنه ضرایب همبستگی بین ۰/۳۸ تا ۰/۷۳ و این ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار

است. به علت زیاد بودن حجم مطالب از ارائه نتایج مربوطه خودداری می‌شود. در نهایت برای محاسبه نمرات T ، نمره‌های به دست آمده به نمره‌های با میانگین صفر و انحراف معیار یک تبدیل شد. در این پژوهش رتبه‌های درصدی و نمره‌های دانش‌آموزان برای هر یک از مقیاس‌های پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل به تفکیک جنسیت محاسبه شد. با توجه به زیاد بودن حجم مطالب از ارائه جداول مربوطه خودداری می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل یکی از پرکاربردترین ابزارهای ارزیابی در راهنمایی و مشاوره مسیر شغلی است که علاوه بر سنجش رغبت به ارزیابی مهارت (خودکارآمدی) افراد نیز می‌پردازد. هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روانسنجی این پرسشنامه بود. به این منظور برای دستیابی به هدف پژوهش به عنوان اولین گام قبل از محاسبه پایایی همبستگی هر سؤال با نمره کل محاسبه شد. نتایج حاصل از این تحلیل نشان داد که همبستگی هر سؤال با نمره کل در سطح $0/01$ معنادار است بنابراین همه سؤال‌ها دارای روایی بوده و هیچ سؤالی از پرسشنامه حذف نشد. پایایی مقیاس‌های پرسشنامه هر کدام جداگانه به روش آلفا و بازآزمایی در فاصله ۳ هفته محاسبه شد. به روش همسانی درونی پایایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت بین $0/72$ تا $0/76$ و به روش بازآزمایی بین $0/80$ تا $0/98$ محاسبه شد پایایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت به روش همسانی درونی بین $0/72$ تا $0/76$ و به روش بازآزمایی بین $0/85$ تا $0/94$ محاسبه شد و ضرایب آلفای 29 مقیاس رغبت اصلی بین $0/72$ تا $0/82$ و به روش بازآزمایی بین $0/80$ تا $0/96$ محاسبه گردید. ضرایب آلفای 29 مقیاس مهارت اصلی نیز بین $0/73$ تا $0/88$ و به روش بازآزمایی بین $0/82$ تا $0/97$ محاسبه شد با توجه به نتایج به دست آمده انتظار می‌رود مجموع مقیاس‌های کمپیل بتوانند سنجشی پایا از رغبت‌های شغلی دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان به عمل آورند. یافته‌های به دست آمده حاصل از این بررسی گویای نزدیک بودن با یافته‌های به دست آمده در پژوهش کمپیل و همکاران (۱۹۹۲) است. روایی مقیاس‌های کمپیل نیز جداگانه و با شیوه‌های متفاوتی مورد بررسی قرار گرفت. روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت از سه طریق مورد بررسی قرار گرفت:

۱- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با مقیاس‌های فرم کوتاه رغبت‌سنج تحصیلی- شغلی هالند. جدول ۳ نتایج به دست آمده حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج جدول ۳ ضرایب همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت (تأثیرگذاری، سازماندهی، مددکاری، خلق، تحلیل‌گری، تولید و ماجراجویی) با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه هالند به ترتیب (متهور، قراردادی، اجتماعی، هنری، جستجوگری، واقع‌گرایی و واقع‌گرایی) معنادار است. این نتیجه حاکی از وجود روایی سازه هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت است. در پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت مطابق با شش تیپ هالند طراحی شده‌اند ویژگی‌های مطرح شده برای هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با ویژگی‌هایی که هالند برای هر یک از تیپ‌های شش گانه رغبت بیان کرده شبیه می‌باشد. در پرسشنامه کمپیل مقیاس تأثیرگذاری منعکس‌کننده تیپ متهور و در بردارنده فعالیت‌ها و مشاغلی است که افراد در آنها به هدایت و متقاعد سازی دیگران می‌پردازند. مقیاس سازمان دهی منعکس‌کننده تیپ قراردادی بوده و در بردارنده فعالیت‌ها و مشاغلی است که مستلزم نظم و برنامه‌ریزی است. مقیاس مددکاری منعکس‌کننده تیپ اجتماعی بوده و فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که از طریق آنها افراد نگرانی و دغدغه خود را برای دیگران ابراز می‌کند. مقیاس خلق منعکس‌کننده تیپ هنری بوده و در بردارنده فعالیت‌هایی چون هنرپیشگی، نویسندگی، موسیقی و سایر برنامه‌های هنری می‌باشد. افرادی که در این مقیاس نمره بالا می‌گیرند از ایجاد دستاوردهای جدید و ایده‌های نو لذت می‌برند. مقیاس تحلیل‌گری منعکس‌کننده تیپ جستجوگری بوده و در بردارنده فعالیت‌هایی است که در آنها افراد با ارقام و داده‌ها سر و کار دارند. افرادی که در این مقیاس نمره‌های بالا کسب می‌کنند نیاز دارند به درکی علمی از دنیا دست یابند. مقیاس تولیدگری منعکس‌کننده تیپ واقع‌گرایی بوده و در بردارنده فعالیت‌های عملی و تولید محصولات مفید می‌باشد. افرادی که در این مقیاس نمره‌های بالایی کسب می‌کنند از کارهای یدی^۱ و مشاهده نتیجه کار و تلاش خود لذت می‌برند. مقیاس ماجراجویی یک بُعد متفاوت از تیپ واقع‌گرا است و در بردارنده فعالیت‌هایی است که مستلزم استقامت فیزیکی، مخاطره‌جویی و رقابت با دیگران می‌باشد. افرادی که در این مقیاس نمره‌های بالا کسب می‌کنند فعالیت‌های فیزیکی را ترجیح داده و خواهان هیجان

می‌باشند. بنابراین با توجه به ویژگی‌های مطرح شده برای هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت همبستگی آنها با تیپ‌های ششگانه هالند قابل تفسیر است.

در دومین روش جهت بررسی روایی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت به مقایسه میانگین‌های هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت در بین دانش‌آموزان دختر و پسر پرداخته شد. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که میانگین رغبت دختران در حیطه‌های مددکاری (منعکس کننده تیپ اجتماعی) و خلق (منعکس کننده تیپ هنری) به طور معناداری بیشتر از پسران و میانگین پسران در حیطه‌های تولیدگری (منعکس کننده تیپ واقع‌گرایی)، تأثیرگذاری (منعکس کننده تیپ متهور)، ماجراجویی (منعکس کننده تیپ واقع‌گرایی) و سازماندهی (منعکس کننده تیپ قراردادی) به طور معناداری بیشتر از دختران است اما در حیطه تحلیل‌گری (منعکس کننده تیپ جستجوگری) تفاوت معناداری بین دو جنس مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش حاضر گویای نزدیک بودن با یافته‌های حاصل از مطالعات بین جنسیتی بر روی پرسشنامه‌های رغبت است. به طور کلی مطالعات جنسیتی بر روی پرسشنامه‌های رغبت نشان داده‌اند که زنان در موضوع‌های اجتماعی و هنری و مردان در موضوع‌های واقع‌گرایی، متهور، جستجوگری و قراردادی نمره‌های بیشتری کسب می‌کنند. به عنوان نمونه مطالعات انجام شده توسط کمپبل و همکاران (۱۹۹۲) دونای، تامپسون، موریس و اسکابوت^۱ (۲۰۰۵) و مطالعات انجام شده توسط (تریسی، ۱۹۹۷، تریسی ۲۰۰۲ و اسپوکان، ۲۰۰۵؛ به نقل از اکبرزاده، ۱۳۸۸). نتیجه مطالعه حاضر نیز از بالا بودن رغبت زنان در حیطه‌های مددکاری (اجتماعی) و خلق (هنری) و بالاتر بودن رغبت پسران در حیطه‌های تأثیرگذاری (متهور)، تولیدگری (واقع‌گرایی)، ماجراجویی (واقع‌گرایی) و سازماندهی (قراردادی) حمایت نمود. با این حال نتایج مطالعه حاضر در یک مورد (عدم تفاوت میانگین دختران و پسران در حیطه تحلیل‌گری (جستجوگری) با مطالعات قبلی تفاوت داشت. از طرفی نتایج به دست آمده در این مورد با نتایج پژوهش اکبرزاده (۱۳۸۸) و حق‌شناس (۱۳۸۵) هماهنگ است. در پژوهش اکبرزاده و همکاران (۱۳۸۸) و حق‌شناس (۱۳۸۵) نیز بین میانگین دانش‌آموزان دختر و پسر در حیطه جستجوگری تفاوتی مشاهده نشد. استدلالی را که شاید بتوان در رابطه با متفاوت بودن نتایج این سه پژوهش در این مورد با مطالعات قبلی بیان کرد این باشد که در پژوهش اکبرزاده

1- Donnay, Thompson, Morris, & Schaubhut

(۱۳۸۸)، حق‌شناس (۱۳۸۵) و همچنین پژوهش حاضر نمونه پژوهش شامل دانش‌آموزان دبیرستانی بوده و دانش‌آموزان دوره دبیرستان هم در محدوده سنی ۱۸-۱۴ سال قرار دارند در سنین نوجوانی هم هر دو جنس چه دختر و چه پسر با یک دیدگاه به اهمیت و ارزش تحصیل و علم می‌نگرند به عبارت دیگر هر دو جنس مشاغل و حیطه‌هایی را انتخاب می‌کنند که از لحاظ تحصیلات بالاتر و از لحاظ اجتماعی دارای پایگاه بالاتری است این در حالی است که نمونه پژوهش در مطالعات قبلی کمپبل و همکاران ۱۹۹۲، دونای و همکاران، ۲۰۰۵ و پژوهش‌های انجام شده توسط (تریسی، ۱۹۹۷، تریسی ۲۰۰۲ واسپوکان، ۲۰۰۵؛ به نقل از اکبرزاده، ۱۳۸۸) بزرگسالان شاغل و یا دانشجویان دانشگاه بوده‌اند.

به طور کلی طبق انتظار پژوهش نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که بین رغبت‌های شغلی دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد. در این زمینه دو منبع مطرح شده برای شکل‌گیری رغبت‌ها، جواب این سؤال را که چرا رغبت‌های شغلی زنان و مردان متفاوت است را روشن می‌سازد: ۱) رغبت‌های شغلی تحت تأثیر محیط هستند، از این نقطه نظر رغبت‌های شغلی با نقش‌های اجتماعی هماهنگ می‌شوند، به این معنا که افراد رغبت‌هایی را گسترش می‌دهند که آنها را با جامعه هماهنگ کرده و یا با شرایط اجتماع سازگار می‌کند. دو نظریه پرداز (تایلر^۱، ۱۹۵۱ و گاتفردسون^۲، ۱۹۹۵، نقل از ساویکاس، ۱۹۹۹) در این مورد تأکید فراوان داشتند. نظر تایلر (۱۹۵۱، نقل از ساویکاس، ۱۹۹۹) این بود که رغبت‌ها همان نقش‌هایی هستند که یک فرد پذیرفته است. به نظر او آگاهی از یک نقش اجتماعی و پذیرش آن، علاقه و تنفرها را ایجاد می‌کند. تایلر (۱۹۵۱، نقل از ساویکاس، ۱۹۹۹) در یک مقاله رسمی، در گزارشی مربوط به دانش‌آموزان پایه چهارم که عموماً از کارهای مربوط به جنس مخالف متنفر بودند، از این نظریه حمایت کرد و تأثیر جنسیت را بر توسعه رغبت‌ها بیان نمود. گاتفردسون (۱۹۹۵، نقل از ساویکاس، ۱۹۹۹) هم بر نقش هماهنگی اجتماعی در ایجاد رغبت‌ها تأکید ورزید. به زعم گاتفردسون آرزوهای شغلی، تلاش‌هایی هستند برای عملی کردن یک تصور شخصی اجتماعی که با قرار دادن فرد در یک گروه اجتماعی وسیع‌تر صورت می‌گیرد. نظر گاتفردسون این بود که افراد از ابعادی چون مردانه - زنانه و اعتبار شغلی برای نشان دادن

1- Taylor

2- Gotfredson

محدوده‌ی اجتماعی و تصورات شخصی خودشان استفاده می‌کنند. افراد با استفاده از این ابعاد، تصورات شغلی خود به شکل نقشه‌های شناختی سازماندهی می‌کنند و سپس به سوی مشاغلی تمایل پیدا می‌کنند که با تصور شخصی خودشان در رابطه با این ابعاد سازگاری داشته باشند. بنابراین در دیدگاه گاتفردسون جنسیت و اعتبار اجتماعی باعث شکل‌گیری و توسعه رغبت‌ها می‌شود. (۲) رغبت‌ها ناشی از خودکارآمدی هستند، نظریه شناختی- شغلی (لنت و همکاران، ۱۹۹۴، نقل از ناتا، کان، انجل و کانتاریلی^۱، ۲۰۰۲) در بکارگیری مفهوم خودکارآمدی چنین بیان می‌دارد که هر چه افراد در خصوص یک شغل خودکارآمدی بالاتری داشته باشند به احتمال آن که به آن روی آورند بیشتر خواهد بود. خودکارآمدی مرتبط با حرفه، اولین بار توسط بتز و هاکت (۱۹۸۱، میچل^۲، ۱۹۹۰، زیلبر^۳، ۱۹۸۸، به نقل از ییلاق، رجبی، شکرکن و حقیقی، ۱۳۸۲) عنوان مورد توجه قرار گرفت. کاربرد مفهوم خودکارآمدی برای رشد حرفه‌ای اولین بار برای تبیین و توضیح عدم رغبت زنان در زمینه‌های مشاغل مردانه و سطح بالا کار برده شد. بتز و هاکت به شواهدی از تفاوت‌های جنسیتی در انتظارات خودکارآمدی مربوط به مشاغل حیطه مردانه دست یافتند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مردان دارای احساس خودکارآمدی بالا هم برای مشاغل سنتی مردانه و هم برای مشاغل زنانه هستند. زنان دارای احساس خودکارآمدی بالا برای مشاغل زنانه هستند، اما برای احراز مشاغلی که از نظر سنتی در انحصار مردان هستند، احساس خودکارآمدی ضعیفی دارند.

در سومین روش مورد استفاده جهت بررسی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت- همبستگی آنها با هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت محاسبه شد. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج این بررسی نشان داد که ضرایب همبستگی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه مهارت‌های کمپیل نسبتاً بالا و معنادار است. ضرایب همبستگی به دست آمده از ۰/۵۴ تا ۰/۶۶ متغیر است. نتایج این پژوهش گویای نزدیک بودن با یافته‌های به دست آمده از پژوهش کمپیل و همکاران (۱۹۹۲) می‌باشد. در پژوهش کمپیل (۱۹۹۲) ضرایب به دست آمده بین ۰/۷۶ تا ۰/۷۵ بوده است. نتایج به دست آمده حاصل از این بررسی نشان‌دهنده وجود روایی سازه در هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت می‌باشد.

1- Natua, Kahn, Angell, & Cantarielli

2- Mitchell

3- Zibler

نکات بیشتر در مورد یافته‌های حاصل از این بررسی در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد. روایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت پرسشنامه کمپبل از دو طریق بررسی شد:

۱- از طریق محاسبه همبستگی بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت با مقیاس‌های پرسشنامه باور به مهارت‌ها. نتایج حاصل در جدول ۴ ارائه شده است. ضرایب همبستگی به دست آمده بین هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت (تأثیرگذاری، سازماندهی، مددکاری، خلق، تحلیل‌گری، تولید و ماجراجویی) با مقیاس‌های مشابه خود در پرسشنامه باور به مهارت‌ها به ترتیب (متهور، قراردادی، اجتماعی، جستجوگری و واقع‌گرایی) نسبتاً بالا و معنادار است. نتایج به دست آمده حاکی از وجود روایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت است. ۲- در دومین روش جهت بررسی روایی هفت مقیاس جهت‌گیری مهارت، ضرایب همبستگی بین این مجموعه از مقیاس‌ها با هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت بررسی شد. نتایج حاصل از این بررسی در قسمت بررسی هفت مقیاس جهت‌گیری رغبت مطرح شده است. یافته حاصل از این بررسی با پژوهش کمپبل و همکاران (۱۹۹۲) نزدیک است.

روایی ۲۹ مقیاس رغبت اصلی پرسشنامه کمپبل از طریق محاسبه ضریب همبستگی ۲۹ مقیاس رغبت اصلی با ۲۹ مقیاس مهارت اصلی پرسشنامه کمپبل بررسی شد. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که ضرایب همبستگی هر یک از ۲۹ مقیاس رغبت با مقیاس‌های مشابه خود (۲۹ مقیاس مهارت) در پرسشنامه مهارت کمپبل معنادار است. ضرایب به دست آمده بین این دو مجموعه از مقیاس‌ها بین ۰/۳۸ تا ۰/۷۳ بوده است. یافته حاصل از این بررسی با پژوهش کمپبل و همکاران (۱۹۹۲) نزدیک است.

روایی ۲۹ مقیاس مهارت اصلی نیز از طریق محاسبه ضرایب همبستگی این مجموعه از مقیاس‌ها و ۲۹ مقیاس اصلی رغبت بررسی شد که نتایج حاصل از این بررسی در قسمت قبل مطرح شد. به طور کلی نتایج حاصل از محاسبه ضرایب همبستگی بین مقیاس‌های رغبت (جهت‌گیری و اصلی) مهارت (جهت‌گیری و اصلی) نشان داد که ضرایب بین این دو مجموعه از مقیاس‌ها معنادار و جهت این ارتباط مثبت است. نتایج پژوهش حاضر در این رابطه مؤید نظریه شناختی- شغلی (لنت و همکاران، ۱۹۹۴، نقل از ناتا و همکاران، ۲۰۰۲) است. نظریه شناختی شغلی در بکارگیری مفهوم خودکارآمدی چنین بیان می‌دارد که هر چه افراد در خصوص یک شغل خودکارآمدی بالاتری داشته باشند احتمال آن که به آن روی آورند و در

آن موفق شوند بیشتر خواهد بود (لنت و همکاران، ۱۹۹۴، به نقل از ناتا و همکاران، ۲۰۰۲). وجود رابطه مثبت بین خودکارآمدی و رغبت در پژوهش‌های متعدد نشان داده شده است. بندورا^۱ (۱۹۷۷) بیان داشته است که نظریه شناختی ارایه‌گر یک رابطه متقابل اما نامتناسب بین خودکارآمدی و رغبت‌های شغلی می‌باشد که در این بین خودکارآمدی نقش تعیین کننده قوی‌تری را بر عهده دارد. لنت و همکارانش (۱۹۹۴) ضمن پذیرش این که غالب روابط در الگوی شناختی احتمالاً تا حدی دو سویه‌اند، عنوان کرده‌اند که انتظارات خودکارآمدی در مرحله اول بر رغبت‌های شغلی تأثیر می‌نهد (ناتا و همکاران، ۲۰۰۲). اکثر پژوهشگرانی که به بررسی رابطه بین خودکارآمدی و رغبت‌ها پرداخته‌اند، خودکارآمدی را به عنوان یک منبع پیشین مورد بررسی قرار داده‌اند. مطرح شدن این امکان که رغبت‌ها نیز می‌توانند پیش‌بینی کننده خودکارآمدی باشند، موجب باز شدن درها به سوی سایر مداخلات برای افزایش خودکارآمدی از طریق بالا بردن رغبت فرد به یک موضوع شده است. این فرضیه که می‌گوید رغبت‌ها می‌توانند به افزایش خودکارآمدی بیانجامد به دلایل نظری صحیح است وقتی فردی به یک حیطة علاقمند می‌گردد، باعث می‌شود که وقت بیشتری را در آن حیطة بگذراند در نتیجه توانمندیش افزایش یابد. با توجه به این دیدگاه مبنی بر کارکرد هدایت‌گری رغبت‌ها می‌توان رابطه خودکارآمدی با رغبت‌ها را این گونه تبیین کرد که رغبت‌ها موجب افزایش زمان صرف شده در یک فعالیت شده و باورهای کارآمدی را افزایش می‌دهد (تریسی، ۲۰۰۲ الف). به منظور پاسخ به سؤال چهارم پژوهش نمره‌های به تفکیک جنس برای هر یک از مقیاس‌ها محاسبه شد. نکته قابل توجه در ارتباط با هنجاریابی پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل محاسبه نمره‌ها است. نمره‌ها، نمره‌های استاندارد با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ هستند و زمانی که پرسشنامه هنجاریابی می‌گردد نیمرخ این ابزار با توجه به نمره‌ها تهیه می‌گردد. نیمرخ پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل برای مقیاس‌های خود از چهار قسمت تشکیل شده است: پیگیری، رشد، اکتشاف، اجتناب.

پیگیری: اگر رغبت‌ها و مهارت‌های فرد هر دو بالا باشد (بر اساس نمره‌ها) پیشنهاد می‌شود که فرد به پیگیری زمینه مورد نظر بپردازد. **رشد:** در صورتی که رغبت‌ها بالا باشد ولی مهارت‌ها پایین باشد، پیشنهاد می‌شود که فرد به توسعه آگاهی و مهارت‌های بیشتر در این

زمینه بپردازد. **اکتشاف شغلی:** در صورتی که نمره رغبت پایین اما نمره مهارت بالا باشد اکتشاف شغلی پیشنهاد می‌شود. **اجتناب:** در مواردی که رغبت و مهارت هر دو پایین باشد فرد از آن حیطه اجتناب می‌ورزد در پایان پژوهش پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد: ۱- از آنجا که نمونه مورد پژوهش دانش‌آموزان محدوده سنی ۱۴-۱۸ می‌باشند پیشنهاد می‌گردد پرسشنامه کمپبل در میان سایر گروهها (دانشجویان، بزرگسالان شاغل) هنجاریابی گردد. ۲- فرم کوتاه این پرسشنامه تهیه و برای کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره‌ی متوسطه هنجاریابی گردد. ۳- کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت برای مشاوران در خصوص شناخت، اجرا، نمره‌گذاری پرسشنامه رغبت استرانگ تشکیل شود.

منابع

فارسی

- احمدی، نهال (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش کسب و کار خانگی بر خودکارآمدی حرفه‌ایی زنان شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره شغلی: دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- اکبرزاده، مهدی (۱۳۸۸). هنجاریابی، تعیین روایی و پایایی فرم رجحان به مشاغل سیاه‌کروی فردی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره مسیر شغلی: دانشگاه اصفهان. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- تقی‌زاده، فاطمه (۱۳۷۸). تهیه و اعتباریابی فرم کوتاه رغبت سنج تحصیلی- شغلی برای دانش‌آموزان دختر سال اول دبیرستان‌های استان قم. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره. دانشگاه الزهرا: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- حوقشناس، لیلا (۱۳۸۵). هنجاریابی، بررسی روایی و پایایی پرسشنامه رغبت استرانگ در دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری، کار و دانش، فنی حرفه‌ایی و دوره پیش دانشگاهی شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره مسیر شغلی. دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

حق‌شناس، لیلا؛ عابدی، محمدرضا؛ محرابی، حسینعلی؛ امین جعفری، امیر صالح و باغبان، ایران (۱۳۸۸). هنجاریایی، بررسی روایی و پایایی پرسشنامه باور به مهارت‌ها (خودکارآمدی حرفه‌ایی) در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله علوم رفتاری*. دوره سوم. شماره ۴. ص: ۳۳۰-۳۳۵.

شهنی ییلاق، منیجه؛ رجبی، غلامرضا؛ شکرکن، حسین و حقیقی، جمال. (۱۳۸۲)، «مقایسه باورهای خودکارآمدی ریاضی پسران و دختران دانش آموز سال دوم رشته های ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در شهر اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روان شناسی* (ویژه نامه)، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره های ۱ و ۲.

صادقی، حسین (۱۳۹۰). *هنجاریایی و بررسی روایی و پایایی فرم کوتاه پرسشنامه رغبت‌سنج استرانگ- اصفهان در دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستانی شهر اصفهان*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

معصومی، یعقوب (۱۳۹۰). *هنجاریایی، بررسی روایی و پایایی فرم کوتاه پرسشنامه رغبت و مهارت کمپیل در دانش‌آموزان سوم راهنمایی و اول دبیرستان شهر بجنورد*، پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

لاتین

- Barak, A. (1981). Vocational interest: A cognitive view. *Journal of Vocational Behavior*, 19, 1-14.
- Betz, N. E., Borgen, F., Rottinghaus, P., & Harmon, L. (2003). Skills Confidence Inventory: Measuring basic dimensions of vocational activity. *Journal of Vocational Behavior*, 62, 76-100.
- Campbell, D. P., Hyne, S. A., & Nilsen, D. L. (1992). *Manual for Campbell Interest & Skill Survey*. Minneapolis, NIN: National Computer System.
- Cotter E. W., & Fouad, N. A. (2010). The Relationship between Subjective Well-Being and Vocational Personality Type. *Journal of Career Assessment*, 19 (1). 51-60
- Diegelman, N. M., & Subich, L. M. (2002). Academic and vocational interests as a function of outcome expectancies in social cognitive career theory. *Journal of Vocational Behavior*, 59, 394-405.

- Donnay, D. A., Thompson, R. C., Morris, M. L., & Schaubhut, N. A. (2005). *Manual for Strong Interest Inventory*. Palo Alto, CA: Counseling Psychology Press.
- Douglas, K. S., Yoon, M., Roberts, B. W., & Rounds, J. (2005). The Stability of Vocational Interests from Early Adolescence to Middle Adulthood: A Quantitative Review of Longitudinal Studies. *Journal of Vocational Behavior, 13*, 713-737.
- Gasser, C. E., Larson, L. M., & Borgen, F. H., (2007). Concurrent validity of the 2005 strong interest inventory: An examination of gender and major field of study, *Journal of Career Assessment, 15*, 23-25.
- Lappan, R. T., Boggs, K. R., & Morrill, W. H. (1989). Self-efficacy as a mediator of investigative and realistic general occupational themes on the strong Campbell interest inventory. *Journal of Counseling Psychology, 36*, 176-18.
- Lenox, R. A., & Subich, L. M. (1994). The relationship between self-efficacy beliefs and inventoried vocational interests. *Career Development Quarterly, 42*, 302-313
- Natua, M. M., & Kahn, J. H., Angell, J. W., & Cantarielli, E. A. (2002). Identifying the antecedent in the relation between career interests and self- efficacy: It is one, the other, or both? *Journal of Counseling Psychology, 49*, 290-301.
- Savickas, M. L., & Taber, B. J., & Spokane, A. R. (2002). Convergent and discriminat validity of five interest inventories. *Journal of Vocational Behavior, 61*, 139-184.
- Savikas, M. L. (1999). The Psychology of interests. in M.L. Savakas & A.R. Spokane (Eds), *Vocational Interests* (19-50). Palo Alto, CA: Davies- Black.
- Tracy, T. J. (2002a). Development of interests and competency beliefs: A 1- year longitudinal study of fifth to eighth- grade students. *Journal of Counseling Psychology, 49*, 143-163.
- Tracy, T. G. (2002b). Personal globe inventory: Measurement of the spherical model of interests and competence Belief. *Journal of Vocational Behavior, 60*, 113-172.
- Tracy, T. J. G. (2010). Development of An Abbreviated Personal Globe Inventory using item response theory: The PGI short form. *Journal of Vocational Behavior, 331-340*.